

# بی خدایان ۲۳ Atheists

www.bikhodayan.com

azam\_kamguian@yahoo.com

سردبیر: اعظم کم گویان

ماهنامه بی خدایان

## چرا نباید و نمیتوان به خدا باور داشت؟ چرا باید بی خدا بود؟

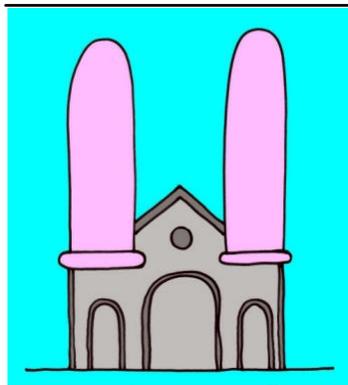


سیما امیدوار

انسانها از روی عدم آگاهی و شناخت نسبت به خود، دیگر موجودات، محیط زندگی، طبیعت و پدیده اطراف، زمین، رودخانه، دریا، خورشید، ستاره ها، ماه، شب و روز و نیز عدم آگاهی از مرگ، خواب، رویا و ترس از آتشفشان، زلزله، سیل، طوفان و سایر بلایای طبیعی و... با این ناشناخته ها، نیرو و پدیده های طبیعی یا زمینی و واقعی و بعدها اجتماعی واقعی، چهره ای لاهوتی، ماوراء الطبیعی و غیره طبیعی دادند که بصورت خدایان، بتها، فرشته ها، الهه ها، ارواح و جنها... در آمدند که بعدها تمامی این صفات طبیعی و اجتماعی خدایان و بتها به همراه صفات انسانی ناب به خدای واحد ادیان داده شد. که خدای قرآن محمد نیز دارای صفحه ۶

جنگد. اتهاماتی مانند فساد، بی اخلاقی، کفر و الحاد برای خاموش کردن هر نوع صدای اعتراضی بکار می رود. سرکوب و بی عدالتی زندگی میلیونها انسانها در جوامع تحت سلطه اسلام بویژه بی خدایان را که از هر نوع آزادی محروم هستند، شکل می دهد. به انسان به محض تولد برچسب مسلمان می زنند و با انواع فشارها او را وادار می کنند تا آخر عمر مسلمان باقی بماند. قانون اسلامی حقوق زنان و غیر مسلمانان را وحشیانه پایمال می کند. بی خدایان وحشیانه مجازات می شوند مرگ یا اعتقاد به اسلام. یهودیان و مسیحیان شهروند درجه دو محسوب می شوند.

در کشورهایی که حکومتهای اسلامی حاکم است مانند ایران، سودان، پاکستان، برخی از ایالتهای شمال نیجریه و افغانستان تحت سلطه طالبان ما شاهد اعمال توحش نهفته در قانون اسلامی هستیم: سنگسار



یکی از راههای جلوگیری از ویروس اسلام



## قانون اسلامی دشمن سرسخت حقوق جهانشمول انسان

اعظم کم گویان

با تشکر از انجمن فلسفی کالج تریپیتی که مرا به این پانل و جدل دعوت کرده است اینجا من انسان امروز ندارم. احکام قانون بعنوان یک منتقد اسلام و مبارز شریعت با اصول اخلاقی و حقوق جهانشمول انسان و یکی از ارزشهای بشریت متمدن در قربانیان قانون اسلامی صحبت تناقض است.

اسلام دینی است کاملاً سلطه گر که کلیه وجوه زندگی پیروان خود را کنترل می کند و در مورد همه چیز حکم می دهد از جهیزیه زنان مدنی زنان، آزادی بیان و آزادی تا عادت ماهانه آنها، از قطع دست مذهب و لامذهبی معتقد است باید فعالانه طرد شود. قانون اسلامی سنگسار زنان متهم به سکس در قرون اولیه اسلام ظهور کرد و خارج از ازدواج، از مساله غذای کلیه رسوم و سنن قبیله ای و زن حرام و حلال تا خلقت جهان، ستیز ماقبل اسلام را در سیستم کوچکترین جزئیات زندگی خود وارد و ادغام نمود. مبنای روزمره باید تابع قوانین اسلام قانون اسلامی نه فقط از قرآن و باشند اسلام در همه چیز و هر سنت محمد بلکه از منابع فقه چیز دخالت می کند. قانون اسلامی و تعبیر مختلف سکت های گوناگون گرفته شده است. کوچک زندگی مردم قانون و باید پرسید قانونی که عناصر آن مقررات تعیین کند، هیچ فردی در بیش از هزار سال پیش بنا گذاشته شده اند چگونه می تواند در قرن بیست و یکم به زندگی انسان عظام تعیین شده است را رعایت مربوط باشد؟ قانون اسلامی کند شریعت منعکس کننده شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی دوران خلفای عباسی کند، با آزادی اندیشه و عمل می

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!



جهانشمول انسانی تحمیل ارزشها  
 زنانی که از کوچکترین و کمترین و ایده‌آهای غربی به مردمی است  
 حقوق فردی شان استفاده کرده‌اند، که به این ارزشها و ایده‌آها بی  
 اتهامات مکرر کفر و شرک به اعتقادند. اما این قابل قبول نیست  
 مخالفین سیاسی که مجازات مرگ که با جواز نسبییت فرهنگی دست  
 دارد، اعدام در ملا عام به جرم دولتها و حکومتها را در تجاوز به  
 کفر و شرک چه اتهام باشد و چه اولیه ترین حقوق انسانی باز  
 واقعی و بسیاری از اعمال گذاشت. ما نباید بگذاریم نسبییت  
 بربرمنشانه دیگر نمونه‌هایی زنده فرهنگی توجیه ستم و سرکوب  
 از شریعت اسلامی هستند. قبول دین بعنوان مبنایی  
 مهمترین وجه مشخصه اسلام این برای تجاوز به حقوق انسانی  
 است که خواست خدا مقدم بر همه تبعیض به انسان تحت ستم و اعلام  
 چیز است و باید اجرا گردد. این این است که حقوق انسانی آنها  
 خداست و نه مردم که تصمیم می شایسته محافظت نیست .  
 گیرند که امور زندگی چگونه پیش شاید ناجورترین و بدترین وجه  
 برود. در یک جامعه باز و آزاد قانون اسلامی شریعت از نقطه  
 مردم در مورد حدود و ثغور نظام نظر حقوق انسانی مجازاتهایی  
 حکومتی و ارگانهای قدرت تصمیم است که اعمال می کند. قانون  
 می گیرند و از طریق نمایندگان اسلامی اخلاق فردی را در تناقض  
 نهادهای منتخب خود قوانین را با اخلاق جنسی قرار می دهد.  
 تعیین می کنند. تحت حکومتهای شلاق زدن و سنگسار تا حد مرگ  
 اسلامی و در جوامعی که قانون از جمله این نوع مجازاتها هستند .  
 اسلامی بخش مهمی از سیستم جنسیت و رفتار جنسی قلمرویی  
 قضایی را تشکیل می دهد وضعیت است که اسلام قوانین سختی در  
 کاملاً متفاوت است. بطور نمونه باره آنها اعمال می کند. رابطه  
 در عربستان سعودی که قرآن جنسی خارج از ازدواج اکیدا  
 رسماً قانون اساسی اعلام شده، ممنوع است و شدیداً مجازات می  
 هیچ نوع قانون دیگری که مغایر با شود. مجازات اعدام، مرگ با  
 این کتاب باشد تصویب نمی شود. سنگسار یا شلاق است. همجنس  
 نمونه‌های دیگر ایران، سودان. گرای نیز ممنوع و قابل مجازات  
 افغانستان تحت طالبان و بسیاری است. برای اینکه بدانید قانون  
 از کشورهای خاورمیانه هستند که اسلامی تا چه حد وحشیانه است در  
 در آنها قوانین اسلامی بخش مهمی نظر بگیرید که این قوانین را در  
 از سیستم قضایی را تشکیل می ملا عام و در اجتماعات مردم به  
 دهند. روشن است که این غیر قابل اجرا در می آورند .  
 قبول است و اراده و اختیار انسانها **قانون اسلامی شریعت و حقوق**  
 را برای تعیین سیستم سیاسی و **زنان**  
 قوانین از آنان سلب می کند. **در قرآن و بر طبق شریعت**  
**قانون اسلامی و حقوق جهانشمول انسان** اسلامی زنان نسبت به مردان جنس  
 حقوق جهانشمول انسان و قانون فرودست محسوب شده و از حقوق  
 شریعت بطور قطع و بطرز علاج و مسئولیتهای کمتری برخوردارند.  
 ناپذیری در تناقض آشتی ناپذیری در محضر دادگاه و در مورد ارث  
 با هم هستند. ستم، کشت و کشتار، یک زن نیمه مرد بحساب می آید،  
 سرکوب، فقدان آزادی و سانسور همچنین در زمینه ازدواج و طلاق  
 وحشیانه واقعیتهایی غیر قابل نسبت به مرد از وضعیت پایین  
 انکار در کلیه کشورهای تحت تری برخوردار است. همسر یک  
 سلطه اسلام هستند. حقوق زن اخلاقاً، قانوناً و دیناً موظف  
 جهانشمول انسان، استانداردهایی است او را بزند. زن از حق  
 از زندگی برای انسانها در اقصی انتخاب همسر، تعیین محل  
 نقاط جهان را عرضه می کنند. سکونت، یوشش خود و حق سفر  
 غالباً گفته می شود که حقوق کردن محروم است. سن بسیار  
 پایین ازدواج بین نه سالگی در

ایران و ۱۷ سالگی در تونس یک ترتیب مانع شرکت و حضور زنان  
 وجه دیگر قانون اسلامی است. در جامعه شده و آنان را زندانی،  
 حکمت این وجه براساس روش زندگی محمد پیغمبر اسلام است که  
 هنگامی که ۴۳ سال داشت با شایسته اند که با آنها بعنوان انسان  
 عایشه که یک دختر بچه نه ساله رفتار بشود و صرفاً به همین دلیل  
 بود ازدواج نمود. چهار سکت هم قانون اسلامی باید طرد گردد .  
 درون اسلام بعلاوه سکت شیعه در قانون اسلامی و تبعیض نسبت به  
 امور مربوط به زنان با هم غیرمسلمانان علاوه بر تحمیل  
 اختلافاتی دارند در کلیه این قوانین اسلامی بر غیر مسلمانان،  
 مکاتب ازدواج قراردادی است که قانون شریعت حکم می کند که هیچ  
 طبق آن شوهر باید تعهدات جنسی نوع برابری بین مسلمانان و غیر  
 نسبت به همسر خود را بعمل مسلمانان وجود ندارد. تحت قانون  
 بیاورد و از نظر مالی زندگی او شریعت فقط مسلمانان شهروند  
 را تامین کند. زن باید هر وقت که کامل یک دولت اسلامی محسوب  
 مرد بخواهد از نظر جنسی او را می شوند. بسیاری از دولتهای  
 ارضا کند. شوهر می تواند بسادگی اسلامی بیشترمانه علیه غیر  
 و با علام سه بار حکم طلاق زن مسلمانان تبعیض قائل می شوند.  
 را صادر نماید. تعدد زوجات تا در عربستان سعودی و کویت  
 چهار همسر برای مردان مجاز مسلمان بودن پیش شرط شهروند  
 است. در سکت شیعه، صیغه یا شدن است. فردی که به ادیانی  
 متعه با ازدواج موقت مرد می مانند مسیحیت و یهودیت معتقد  
 تواند تا بی نهایت همسر موقت است در یک دولت اسلامی حقوق  
 بگیرد. طبق قانون اسلامی مردان محدودی دارد، نمی تواند در  
 می توانند کنیز و بردگان زن داشته زندگی اجتماعی فعالیت داشته باشد  
 باشند. طبق قانون اسلامی و قرآن یا در مقامات دولتی بر مسلمانان  
 مردها مجازند در صورتی که همسرانشان از آنان تبعیت نکنند  
 آنها را کنک بزنند. غیر محکومت کند. هر غیر مسلمانی  
 یک حکم تبعیض آمیز دیگر این توند در یک کشور اسلامی بطور  
 است که در بسیاری از کشورهای دائمی اقامت کند. علاوه بر این،  
 تحت نفوذ اسلام زنان نمی توانند امت دینی تلقی می کند. دیگران  
 مردان غیر مسلمان ازدواج کنند. بت پرست بشمار می آیند. بت پرست  
 طبق اسلام برای حفظ اخلاق ها باید از بین بروند .  
 جامعه و جلوگیری از هرج و مرج در بسیاری از دولتهای اسلامی  
 جنسی، زنان باید سرپای خود را مردان غیر مسلمان اجازه ندارند با  
 در حجاب اسلامی بیوشانند. قانون در حجاب اسلامی کاملاً مخالف آزادی  
 پوشش است. روشن است که این موارد تعقیب جرائم، غیر مسلمانان  
 مانع مهمی در رشد فیزیکی و مرتکب شده نسبت به مسلمانان  
 معنوی زنان است. این غیر انسانی شدیدتر از جرائم مرتکب شده  
 است که زنان را چنین در حجاب نسبت به سایرین مجازات می  
 می بیچند در حالیکه طبق قرآن و گردند. در بسیاری از کشورها  
 احکام اسلامی این مردان هستند که شهادت یک غیر مسلمان در دادگاه  
 قابل اعتماد نبوده و نمی توانند خود با شهادت یک مسلمان برابر  
 را کنترل نمایند . نیست .  
 برای حفظ اخلاق جامعه زن نباید آزادی مذهبه فقط به معنی  
 با مردی که با وی نسبتی ندارد آزادی اعتقاد دینی بلکه به معنی  
 تماس داشته باشد این جداسازی عوض کردن عقیده دینی نیز  
 جنسی، شرکت زنان در زندگی و هست. الحاد و بی اعتقادی یعنی  
 فعالیتهای اجتماعی را بسیار مشکل اینکه یک مسلمان کنار گذاشتن  
 می سازد. قانون اسلامی به این اعتقادات اسلامی را تبلیغ کند یا



زندگی می‌کنند، هر نوع ایده ای مبنی بر اینکه شریعت می‌تواند و باید در زندگی اجتماعی نفوذ داشته باشد باید قویا مورد مخالفت قرار بگیرد چون با بسیاری از ارزشهای پایه‌ای انسانی مانند برابری همه در مقابل قانون و اینکه قانون باید بر مبنای خواست مردم تعیین شود و مجازات باید با جرم مرتکب شده متناسب باشد، تناقض دارد.

#### اسلاموفوبیا و راسیسم

مشکل کسانی که مانند ما در غرب زندگی می‌کنند این است که چگونه با پایمال کردن حقوق انسانی توسط اسلام و شریعت مقابله کنیم بدون اینکه به راسیسم و نژادگرایی متهم نشویم. اینجا یک نکته کلیدی وجود دارد و آن این است که حقوق انسانی به فرد داده می‌شود و نه به گروه. هر گروهی که حق اعضای خود در ترک کردن را زیر پا می‌گذارد پایه‌ای ترین حقوق انسانی را پایمال می‌کند. یکی از دلایلی که اسلام ظرف قرن گذشته رشد کرده است که مسلمان بودن مانند یک خیابان یک طرفه است. چه از زمان تولد یا با مسلمان شدن که تاریخا با زور و قهر صورت گرفته است، برای انسان بعنوان مسلمان و تحت قانون اسلامی، راه برون رفتی جز مرگ وجود ندارد. توجیه گران اسلام غالبا ادعا می‌کنند که این نوع استدلالات بر اساس بدفهمی از اسلام صورت گرفته و اسلام دین صلح و دوستی است. این توجیه گران از این یا آن سوره برای شما نقل قول می‌آورند تا ادعای خود را ثابت کنند. اما درست مانند انجیل در مسیحیت البته در قرآن هم احتمالا آیه‌هایی برای اثبات این یا آن نظر وجود دارد. تنها پاسخ به این ادعای توجیه گران و اسلامی‌ها این است که با نمونه‌های زنده و واقعی نشان داد که بر مردمی که به زیر سلطه قانون اسلامی افتاده‌اند چه گذشته و چه می‌گذرد.

همچنین مکررا ادعا می‌شود که منتقدین اسلام، راسیسم و اسلاموفوبیک هستند. از آنجا که ما

#### قانون اسلامی و آزادی بیان

تحت قانون شریعت و در جوامعی که اسلام ستم می‌کند، نویسندگان، متفکرین، فیلسوفان، فعالین، هنرمندان همگی از آزادی بیان محروم هستند. رژیمهای اسلامی بخاطر سرکوب آزادی بیان منفور هستند. غالبا چون دولتهای اسلامی خود را کاملا با اسلام یکی می‌دانند هر نوع انتقادی از دولت، اهانت به اسلام و کفر بحساب آمده و شديدا مجازات می‌گردد. تحت قانون اسلامی مردم از نوشیدن مشروبات الکلی، نواختن و گوش کردن به موسیقی، مطالعه ادبیات یا فلسفه، سکس و هنر محروم هستند.

بدلیل پایمال کردن حقوق انسانی توسط شریعت، بدلیل تبعیض نهادی شده در قانون اسلامی، بخاطر محروم کردن میلیونها انسان از اختیار و اعمال اراده شان و بی حرمت کردن انسانها، قانون بربرمنشانه اسلامی باید شديدا مورد مخالفت قرار گرفته و طرد شود.

در غرب حتی در کشورهایی که یک اقلیت قابل ملاحظه مسلمان

در مورد دین و نه نژاد بحث می‌کنیم استدلال اولی رنگ می‌بازد. خواهیم گذاشت.

مطمئنا در غرب درجه بالایی از ارتباط بین نژاد و مذهب موجود است. بطور مثال مسلمانان در بریتانیا بیشتر از جوامع خاورمیانه هستند. معذرا این کاملا منطقی است که انسانی را کاملا دوست داشت و به او احترام گذاشت اما از عقاید مذهبی او حتی تنفر داشت. انسانها قابل احترام هستند اما هر اعتقاد آنها محترم نیست. تلاش برای جرم کردن اسلاموفوبیا تلاشی زیرکانه برای سرکوب انتقاد از اسلام تحت پوشش مبارزه با راسیسم است. ضروری است که باید بین انتقاد از اسلام، ترس از اسلام، اسلام ترسی یا نفرت از مسلمانان تمایز و تفاوت قایل شد. اما غالبا انتقاد از احکام و روشهای اسلامی و انتقاد از دین اسلام برچسب راسیسم و تنفر از مسلمین را می‌خورد تا انتقاد را بسادگی و راحتی خاموش کنند.

اما اگر اسلام واقعا با دفاع از جهاد برای سلطه بر جهان خشونت را اشاعه می‌دهد، وقتی واقعا به مردان مجوز آسمانی می‌دهد که در همسران خود را کتک بزنند؛ و حکم می‌دهد که شهادت یک زن در دادگاه نیمه شهادت یک مرد در محضر دادگاه است؛ و اعلام می‌کند که مسلمانان نباید با یهودیان و مسیحیان دوستی کنند، چرا نباید از این دین ترسید؟ چرا نباید از انتقاد کرد؟ جهان، میدان نبرد گرایشهای فکری و جنبشهای اجتماعی گوناگون است. در غرب مبارزه و تلاش مردم برای کسب حق انتقاد از دین مسیحیت بیش از چهار صد سال طول کشید. حتی اکنون نیز این حق کاملا برسمیت شناخته نمیشود. در بریتانیا بطور مثال قانونی علیه فکری و فرهنگی معتبری است که کفر گفتن وجود دارد و بسیاری از آخوندها و مراجع اسلامی استدلال می‌کنند که این قانون باید شامل حال اسلام و مسلمانان هم بشود. این قانون باید کامل امحا و لغو شود. اگر از ما آزادی بیان خود در انتقاد از اسلام و دین سلب شود آنوقت دوباره پا در دهلیزهای

برای سلطه بر جهان خشونت را اشاعه می‌دهد، وقتی واقعا به مردان مجوز آسمانی می‌دهد که در همسران خود را کتک بزنند؛ و حکم می‌دهد که شهادت یک زن در دادگاه نیمه شهادت یک مرد در محضر دادگاه است؛ و اعلام می‌کند که مسلمانان نباید با یهودیان و مسیحیان دوستی کنند، چرا نباید از این دین ترسید؟ چرا نباید از انتقاد کرد؟ جهان، میدان نبرد گرایشهای فکری و جنبشهای اجتماعی گوناگون است. در غرب مبارزه و تلاش مردم برای کسب حق انتقاد از دین مسیحیت بیش از چهار صد سال طول کشید. حتی اکنون نیز این حق کاملا برسمیت شناخته نمیشود. در بریتانیا بطور مثال قانونی علیه فکری و فرهنگی معتبری است که کفر گفتن وجود دارد و بسیاری از آخوندها و مراجع اسلامی استدلال می‌کنند که این قانون باید شامل حال اسلام و مسلمانان هم بشود. این قانون باید کامل امحا و لغو شود. اگر از ما آزادی بیان خود در انتقاد از اسلام و دین سلب شود آنوقت دوباره پا در دهلیزهای

برای سلطه بر جهان خشونت را اشاعه می‌دهد، وقتی واقعا به مردان مجوز آسمانی می‌دهد که در همسران خود را کتک بزنند؛ و حکم می‌دهد که شهادت یک زن در دادگاه نیمه شهادت یک مرد در محضر دادگاه است؛ و اعلام می‌کند که مسلمانان نباید با یهودیان و مسیحیان دوستی کنند، چرا نباید از این دین ترسید؟ چرا نباید از انتقاد کرد؟ جهان، میدان نبرد گرایشهای فکری و جنبشهای اجتماعی گوناگون است. در غرب مبارزه و تلاش مردم برای کسب حق انتقاد از دین مسیحیت بیش از چهار صد سال طول کشید. حتی اکنون نیز این حق کاملا برسمیت شناخته نمیشود. در بریتانیا بطور مثال قانونی علیه فکری و فرهنگی معتبری است که کفر گفتن وجود دارد و بسیاری از آخوندها و مراجع اسلامی استدلال می‌کنند که این قانون باید شامل حال اسلام و مسلمانان هم بشود. این قانون باید کامل امحا و لغو شود. اگر از ما آزادی بیان خود در انتقاد از اسلام و دین سلب شود آنوقت دوباره پا در دهلیزهای

## آزاد اندیشان

### شجاع

بی‌خدایان از این پس ستونی را به معرفی آزاد اندیشان شجاع که به مقابله با کوردلی و تاریک اندیشی مذهب و ارتجاع و اسلام برخاستند اختصاص خواهد داد. از خوانندگان و کلیه آزاد اندیشان می‌خواهیم ما را در این کار یاری کنند.

سر دبیر

فراغ فودا رشته کشاورزی را در دانشگاه عین‌الشمس خواند و دکترای این رشته را اخذ کرد. در عرصه فرهنگی با افکار رسیاه که از سوی جریانات اسلامی نمایندگی می‌شد می‌جنگید. او که یک مدرنیست بود ابتدا به حزب ناسیونالیست ال‌وفد پیوست و پس از آنکه این

## فراغ فودا کیست؟

متولد: ۸ اوت ۱۹۴۵

قاهره - مصر

مرگ - ترور: ۸ زوئن

۱۹۹۲ قاهره - مصر

حزب تحت تاثیر اخوان المسلمین قرار گرفت از این حزب جدا شد. بدنبال آن او کتابی در نقد این حزب و گرایشات ناسیونالیستی و اسلامی در مصر نوشت و خود را نه ناسیونالیست بلکه آزاد اندیش اعلام کرد.

فراغ فودا کوشید حزبی بنام ال‌مستقبل یا آینده ایجاد کند. او می‌خواست علیه ایده های قرون وسطایی حاکم بر جامعه مصر بپایستد. وی علیه اسلام سیاسی که بعنوان ال‌ترناتیوی در مقابل

ایدئولوژیها و جریانات سیاسی پا معتقد بود.

به میدان می‌گذاشت و قد علم می‌کرد

برخواست. فودا هرچند معروفترین آثار او عبارتند از:

هیچگاه قرآن خدا و محمد را نقد ال‌وفد و آینده

تکرد اما همواره علیه دولت حقیقت غایب

مذهبی و امتزاج اسلام و مسجد با دیالوگ درباره سکولاریسم

دولت بود. فودا طرفدار سرسخت تروریسم

دولت سکولار و دین بعنوان امر هشدار

خصوصی افراد بود.

بودن یا نبودن فرقه گرایی

گرچه حزبی که او تلاش کرد

بسازد موفق نشد به یک حزب فراغ فودا بدنبال اعلام یک فتوا

توده ای در جامعه مصر تبدیل از سوی گروهی از شیخ های ال

شود اما او سازمانی بنام جامعه ازهر علیه او توسط گروه ال‌جهاد

مصری برای تحقق روشنگری در ۸ ماه زوئن در شهر قاهره

شهر قاهره ایجاد کرد. فراغ فودا ترور شد. اما وی در واقع دوبار

تاریخ اسلام و الهیات اسلامی و ترور شد بار اول وقتی بود که

اسلام سیاسی را نقد کرد. فودا گلوله های متعدد بدنش را سوراخ

آزاد اندیش بود و زندگی را بسیار کردند و بار دوم زمانی بود که

دوست داشت. به آزادی و برابری دولت و دستگاه اسلام در مصر

برای همه شهروندان مصری کلیه آثار او را ممنوعه و غیر

مستقل از مذهب و فرقه و سکس قابل چاپ اعلام کردند.

و یا منشا اجتماعی و طبقاتی شان

## معرفی مندرجات بولتن زنان در خاورمیانه شماره های سپتامبر اکتبر نوامبر و دسامبر ۲۰۰۵

زنان در خاورمیانه" بولتن "کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه" دانمارک: دولت مساله منع حجاب در مدارس را مورد بررسی قرار می‌دهد

است که تاکنون 40 شماره آن منظم منتشر شده است. "زنان در خاورمیانه" به دلیل مبارزه با قوانین اسلامی و افشای بی‌حقوقی زنان

در کشورهای اسلامی که اسلام مستقیماً در حاکمیت است یا در قدرت شریک است، محبوب و پرتیراژ است. این بولتن آخرین گزارشها، تفسیرها و

مطالب، کمیتهها و فراخوانها در دفاع از حقوق زنان در جوامع اسلام زده را منعکس می‌کند. "زنان در خاورمیانه" به سردبیری اعظم کم

گویان و به زبان انگلیسی منتشر می‌شود. بولتن "زنان در خاورمیانه" نه تنها در سازمانها، نشریات، وبسایت

ها و شبکه های متعدد زنان، حقوق مدنی و سکولاریست پخش می‌شود، بلکه بطور مورد رجوع نهادهای آکادمیک و دانشگاهی، مراکز

تحقیق مسائل پناهندگی و مهاجرت، ژورنالیستها، دانشجویان و دانش آموزان و نهادهای دولتی و یا وابسته به دولت در غرب مانند دادگاهها

و پلیس قرار می‌گیرد. عنوان گزارشات، تفسیرها و مطالب آخرین شماره های این بولتن در ماههای سپتامبر اکتبر نوامبر و دسامبر ۲۰۰۵ به قرار زیر است:

عراق - ینار محمد: ما را هر روزه مورد آزار و بی‌حرمتی قرار می‌دهند!

تاجیکستان: حجاب در مدارس ممنوع شد!

ایران: زن دیگری محکوم به سنگسار شد

افغانستان: سردبیر نشریه حقوق زنان به اتهام کفر دستگیر شد

ایران: احکام مرگ برای کودکان و سنگسار زنان توسط حکومت اسلامی

بریتانیا: مباحثه بر سر غیر قانونی کردن ازدواجهای اجباری در جوامع مهاجر نشین کشور

دانشگاه: دولت مساله منع حجاب در مدارس را مورد بررسی قرار می‌دهد

خاورمیانه و آفریقا: سالانه میلیونها زن و دختر ختنه می‌شوند

هند: معلم زن در جدالی قانونی برای بی‌حجابی و حفظ شغل خود در یک مدرسه مذهبی

عربستان سعودی: گوینده تلویزیون که مورد خشونت همسرش بود از کشور گریخت

ترکیه: جرائم ناموسی و قتلهای ناموسی حمایت می‌شوند!

سوریه: باریبی محبیه برای دختر بچه ها در کشورهای خاورمیانه

هند: دولت با منع شدید ختنه زنان مخالفت می‌کند

ایتالیا: حجاب در مدارس این کشور قانوناً منع نخواهد شد

استرالیا: دولت درباره ازدواجهای اجباری هشدار می‌دهد

فلسطین: شاخه زنان حماس با عشق به جهاد اسلحه بر می‌دارد

فلسطین: زنان با جسارت در انتخابات کاندید می‌شوند

بلژیک: درباره برقع و مولتی مالچرالیسم

یمن: تاثیر اجتماعی تعدد زوجات بر زنان جامعه ایران: آمار دختران فراری رو به افزایش است

بریتانیا: آپارتاید در ورزش شنا برای زنان مهاجر اردن: زنان در مصاف با قتلهای ناموسی

پاکستان: قوانین "اخلاق" جنجال به پا می‌کنند!

بریتانیا: حجاب استریل و بهداشتی برای زنان جراح اسلامی

نیجریه: زنان در ایالتهای شمالی از استفاده از وسایل نقلیه منع شدند

بریتانیا: طرح قانون جدید علیه ازدواجهای اجباری

فلسطین: بخاطر ناموس و شرف خانواده بقتل رسید!

فرانسه: اجرای قانون منع حجاب علیرغم تخاصمات و مخالفتها موفق

## آیا هنوز میتوانم از پاپ متنفر باشم!

**قانون نفرت مذهبی و نژادی یک توهین آشکار به متفکرین آزاده کشورمان است.**

**کارل سارلر**

**ترجمه: فرزاد نازاری**

و خطاکار انتهای خیابانمان بودم و از مردمی که کودکان را کتک می زدند تا شیطان را از زیر جلدشان فراری دهند متنفرم بودم. از جماعت کلیسای جامائیکاییها برای کتک زدن مردی تا سرحد مرگ بر اساس این که شایع شده بود او همجنسگرا است متنفرم. من از سیکها که در حق نژادها کردن کفتی میکنند متنفرم. من از مسلمانانی که هواپیماها را به ساختمانها می کوبند و لذت میبرند متنفرم. و موافقت سردبیر، من آزاد هستم نه تنها چنین بگویم بلکه راضی شوم که بر شما تاثیر بگذارم. با بیانی دیگر من رضایت دادم که تلاش کنم تا نفرت مذهبی این مردم را تحریک کنم. اما نه من برای مدتی طولانی تر احساس ترس می کنم، قانون نفرت مذهبی در شکل کنونی اش هفته گذشته توسط مجلس کردها برگشت خورد، لرد هانت جار زد که این خیلی زیاده روی است، نیابت مسخره برای روان آتکینسون ممنوع، از این نوع چیزها، پس قبل از ماه آینده که این قانون به مجلس بر میگردد می خواهند اصلاحاتی را در آن مشاهده کنند. زنده ماندن به چه معنا است، به هر

حال نکته ای که همگان بر آن موافقتند، اینکه اگر شما از مذهب متنفرید اجازه ندارید که تنفر خود را برای مذهبیون بیان کنید. شما میتوانید از تفکر متنفر باشید اما از صاحب فکر خیر، (هانت، مخالف این قانون انطور که او نشان میداد) به بیراهه برای دلجویی از کسانی رفت که امکان دارد برای اعتقاد مذهبیان مورد تنفر واقع شوند. همزمان خانم اسکاتلند (موافق این قانون) مدعی شد که جنسیتش، نژادش و مذهبش معرف او هستند و اگر کسانی کلماتی نفرت آلود بر حسب دو پنداشت اول (جنسی و نژادی) بر علیه او ادا کرد می شود با آن تعامل کرد، بنابراین باید در مرحله ثالث قرار بگیرند، چیزی که کسی با آن مخالفت چندانی نکرد. این در معرفت عامه جای گرفته است که عقیده و معتقد دو چیز مجزا هستند. مانند استهله موریس که در تایم سوال کردن، مطرح کرد، ما می توانیم مخالف اعتقادات مذهبی باشیم ولی نه مخالف کسانی که اعتقادات مذهبی دارند. ایشان شرح ندادند که این چگونه به کار می رود، و ناگفته نماند که من هم قادر به شرح این نیستم.

تا زمانیکه شخص ارزشهایی را در اوج لیست استدلال هایش قرار می دهد که آنها را دوست داشته باشد یا خیر و اگر این شامل مذهب هم شود که شما صمیمانه به آن معتقدید باعث رنجش می شود و بعد شما بطور قادرید که شخص را کمتر دوست نداشته باشید؟ اعتقادات چه مذهبی و سیاسی مسائلی انتخابی هستند، و اگر ما باید نه تنها از حزب ملی بریتانیا بیزار باشیم بلکه از کسانی هم که با یک رابطه گریزناپذیر به آن میبویندند منجزر باشیم، پس من نه تنها باید از شیطان کتک زندهای کلیسای محله ام متنفر باشم بلکه این را هم بیان کنم. تمام خساراتی که مذهب ایجاد میکند توسط معتقدین به آن صورت میگیرد. فقط توسط کسانی از ما که معتقدند اینها نادرستند، می توانند متوقف شوند. اعتقادی که بهمان اندازه اعتقاد آنان قدرتمند است داشتن حقوق مشابه حقوق آنها که بر سر مخالفینشان خشمگین و غضبناک فریاد می کشند. اگر ما بعدا کسی را تحریک کردیم که به آنها سیلی بزند این موضوع دیگری خواهد بود که بر علیه اش قانون داریم.

**از: ابزرور**

من از پاپ متنفرم. از صمیم قلب، از ته دل و با تمام وجود از او متنفرم. نشستنش در ردای سفید و درتجمل و ثروت بی پایان و اتیکان زمانی که به رابطه گاندوم با مرگ و میر در آفریقا اهمیتی نمیدهد. از او متنفرم که زنان را به مرگ زود رس از درد زایمان محکوم می کند. و من بیشتر از کاتولیکهای پیروش متنفرم که با صمیمیت و از خود گذشتگی شان اجازه میدهند که ستمگریش رونق پیدا کند. وقتی در کلیسای گمراه کنند

### عضو انجمن بی خدایان شوید!

**برای رهایی از سلطه اسلام و اسلام زدایی از ایران به ما بپیوندید!**

مردم به تنگ آمده از اسلام، بی خدایان! آزاد اندیشان!

انجمن "بی خدایان" می خواهد سخنگوی جنبش ضد مذهبی باشد که برای رهایی از اسلام و اسلام زدایی از ایران و خلاصی از یوغ دین مبارزه می کند. جنبشی که علیه حاکمیت اسلام و خدا و حکومت آنها بر انسان است. جنبشی که اصالت انسان را در مقابل دین و خدا قرار می دهد و آنها را از زندگی و جامعه جارو می کند. ما می خواهیم در مقابل کلام و قانون خدا و آیت الله، در مقابل قانون سنگسار و منکرات و تغزیرات و عذاراری و حجاب و آپارتاید جنسی- کلام و قانون انسان و آزادی او را قرار دهیم. ما پرچم دفاع از حرمت انسان را با دفاع از او در مقابل دین، اسلام و خرافات بلند میکنیم.

مردم! عضو انجمن بی خدایان شوید و بی خدایی را به هر شکلی که میتوانید تبلیغ کنید!

نشریه بی خدایان را تکثیر و پخش کنید و بدست دیگران برسانید! با ما تماس بگیرید به ما بپیوندید و جنبش رهایی از اسلام و بی خدایی را گسترش بدهید.

**اعظم کم گویان**

انجمن بی خدایان

bikhodayan@yahoo.com

azam\_kamguian@yahoo.com

www.bikhodayan.com

http://www.bi-khodayan.blogspot.com/

bikhodayan@yahoogroups.com



چرا نباید ...  
 تمامی این صفات و ویژگی ها 3/1\_ البته این صفات انسانی را میباید. تمامی صفاتی را که در انسانها میتوان یافت، همگی در سطحی عالیتز، قویتر و بهتر و مطلق از سوی انسان به خدا داده شد و نیز تمامی آنچه را که بشر را فهم و درکش عاجز بود\_ پی نبردن به روابط علت و معلولی و قوانین در طبیعت، موجودات و جامعه \_ در خدا وجود پیدا کرد. و خدا خلاصه شده آنچه‌ای شد که بشر از شروع زندگی اش و از بدو تشکیل اجتماعات اولیه اش با توجه به ناتوانی و جهلش در برابر طبیعت و بعد نیروهای اجتماعی در ذهن خود ساخته بود.

1\_ صفات، اعمال و حیطة ابر قدرتی خدای محمد در قرآن:  
 1/1\_ قادر مطلق است و منزه، بی نیاز، بینا، شنوا، حکیم، دانا، و توانست، در نفوذ مشیت اراده اش رقیبی ندارد، همه چیز به حکم و قدر اوست، از همه چیز آگاه است و چنانچه گفته: ساقط نمی شود نمی افتد هیچ برگی مگر که میداند آنرا... ولی با این وجود، کتبه‌های آسمانی را برای هدایت بشر نازل کرده و رسولان را از آدم تا محمد برای هدایت بشر فرستاده .

و بهشت را برای مومنان با حوریه‌ها و نهرهای شیر و عسل آفریده و جهنم را با آتش سوزان و... برای کافران و از طرفی خود پیوسته ایاتی در باره شکر و خدا، ترس از خدا، توکل به خدا، رضایت به رضای خدا، تسلیم در مقابل فرمان خدا، اخلاص و رزیدن در پرستش خدا، شریک قرار ندادن برای خدا... صادر نموده است.

1/2\_ آفریده گار و خالق است: آسمانها هفت طبقه اش را و زمین و هر آنچه در آنها است { خورشید و ماه و شب و روز و ستارگان } و تمامی جانوران و آدم و حوا و فرشته ها و ملائک { را برای اداره امور و انجاک کارهایش آفریده که هر گیز از او نافرمانی نکنند } و شیطان و جن و... را

افزاید.  
 پوست شتر و گاو و گوسفند خانه های سبک را، خدا از پشمها و کرکهای حیوانات و موهاشان و کرکهای حیوانات و موهاشان پوشش و فرش و مایه تجارت به بشر میدهد، خدا برای شما گردانید پیراهن که نگه دارتان از گرما و پیرهنهای جنگ که نگارد شما را از اسیب، خدا گردانید برای شما چهار پایانرا تا سوار شوید برخی از آنها را و بخورید برخی را، خدا رام کرد حیوانات را برای سواری { مثل کابوهای آمریکائی و رام کردن اسپ }، آتش را آفرید، آهن را فرو فرستاد، سخن گفتن و بیان را هم خدا داد و...  
 2= چقدر تناقض؟  
 خدای محمد! و یا خدای محمد در قرآن و یا افکار خود محمد! پر از تناقض است:  
 خدای قادر مطلق و دانا چه نیازی به صفاتی همچون جبار، قهار، کینهتوز، انتقام جو، مکار و خشمگین بودن دارد؟ که از دست ابولهب به خشم می آید؟ مگر قادر مطلق، ناتوان است که به خشم و مکر متوسل شود؟ و یا چرا باید صحبت از تقسیم غنایم جنگی وزن و فرزندان انسانها کند؟ چرا باید برای انجام خواسته هایش، پیوسته و عده غنایم و تصاحب مال وزن و دیگران و بهشت را بدهد؟ چرا باید صاعقه خداوندی تر و خشک را باهم بسوزاند و یا قریه و شهری را برای نافرمانی عده ای قلیل منهدم کند؟ چرا باید زوجات و طلاق دادن بدون رضایت زن و زدن زن را جایز شمرد؟ چرا باید قوانین غیره انسانی و بی اساس قضاص را بی‌آورد؟ چرا باید برده داری و کنیز داری و فرق بین انسانهایی که آفریده بگذارد؟ چرا باید نوکر و آقا، برده نأقا، فقیر و غنی، ستم گر و ستمکش، توانان و ناتوان، سیر و گرسنه و... باشند؟ مگر همه را او نیافریده پس چرا اینقدر فرق و تبعیض؟ چرا خدا ی مکه با خدای مدینه فرق دارد؟ چرا خدای می تواند بهترین حیل و کندیگان باشد؟ چرا خدای دانا

## خدا، دین و حقیقت

دکترینی که فقط قادر است در تاریکی از خود نگهداری کند نه در نور روشن، دیگر خوی احتیاج اثر خودش را با ضایعات بیشماری به ترقی بشریت، بر انسان نوعی از دست می‌دهد. معلمین مذهبی در تلاششان برای اخلاقیات خوب باید قد وقامت این را دارا باشند که دکترین خدای فردی را ول کنند. همین، ول کن آن نوع از ترس و امیدی که در گذشته آنچنان قدرت فوق العاده بزرگی را در دست کشیشها گذاشته بود. هر چه بیشتر تکامل معنوی نوع انسان جلو می‌رود بیشتر برای من مسلم میشود که راه دینداری حقیقی از میان ترس از زندگی و ترس از مرگ و ایمان کور نمی‌گذرد بلکه از راه تلاش بدنبال دانش عقلانی می‌گذرد.

### البرت انشتین

پوشیدن حجاب اسلامی که سرتاپای زنان را در بر می‌گیرد مانع انتگره شدن زنان مسلمان در زندگی و جامعه غربی می‌شود. ما باید مانند دولت فرانسه مخالفت خود را با حجاب در محیط‌های عمومی مانند مدارس و دادگاهها و ادارات دولتی قانوناً اعلام کنیم.

### ویل هاتون

نفس مذهب هیچوقت منحصرآ تریاک توده‌ها نبوده است. مذهب همیشه ابزار پیشبرد سیاستهای طبقه حاکم و بخش مهمی از سیستم سیاسی - طبقاتی حاکم بوده است. این گفته معروف "مذهب تریاک توده‌هاست" را مارکس در شرایطی طرح کرد که جنبش پر قدرت روشنگری کلیسا را در غرب به عقب رانده و جامعه را از دین و خرافات مذهبی تکانده بود. انقلاب فرانسه رخ داده و دولتهای سکولار برسر کار آمده بودند.

### اعظم کم گوین

به نظر من باورهای شخصی برای خود آدمها محترم است. من ممکن است احترامی به عقاید راسیستی و نژادپرستانه کسی نگذارم، که نمیگذارم، اما خودش اگر میخواهد اینطور فکر کند، تا وقتی که آزارش به کسی نرسانده، نظر خودش است. هر بشری حق دارد به هر جای دنیا به هر شکلی که میخواهد فکر کند. کسی اجازه ندارد برای دنیای داخلی کسی قانون وضع کند و بگوید تو حق نداری اینطور یا آنطور فکر کنی. البته این معنایش این نیست که ما سعی نمیکنیم افکار کسی را عوض کنیم. بشر باید بین افکار و ایده‌های مختلف، انتخاب داشته باشد، باید بتواند انتخاب کند.

### منصور حکمت

تونی بلر در نظر دارد تعداد مدارس اسلامی که بودجه آنها مانند سایر مدارس مذهبی توسط دولت پرداخت می‌شود را افزایش دهد. در حال حاضر تعداد این مدارس اسلامی پنج تاست اما حدود 100 مدرسه خصوصی اسلامی وجود دارد که دولت قصد دارد آنها را وارد بخش دولتی بکند. این یعنی سوبسید کردن آپارتمان و جدایی بر اساس دین در مدارس. راه حل درست این است که ایجاد هر نوع مدرسه مذهبی متوقف شود.

### مینت مارین

ایان پیزلی کشیش پروتستان خواهان مدارک عکس دار در مورد خلع سلاح ارتش جمهوریخواه ایرلند است. سوال این است: آیا خود او عکسی از خدا دارد که به ما نشان دهد که وجود خدا را اثبات کند؟

### مایرا گارت شور

ایده خدای فردی یک ایده کلی ناشی از طبیعت انسان است، که قادر به جدی گرفتنش نیستیم.

### البرت انشتین

اگر معتقدی که قرآن معقولترین کتابی است که تا بحال نوشته شده جامعه متمدن با شما مشکل دارد. چون وقتی آن را میخوانید چیزی جز مانیفست عدم تولرانس و سرکوبگری نیست. فقط سطرهایی از آن درباره بخشش و صبر و تسامح است. اما کتاب تماماً دستور العمل تئوکراتیسم و تنفر از کفار و عدم تحمل مخالفین است.

### سام هریس

خیلی خوب است که مجلس لردها تصمیم بگیرد بخاطر حمله به عراق از مسلمانان عذرخواهی کند. اما بهتر این خواهد بود که مجلس لردها به توافق نامه ای برسد که طبق آن کلیه مدارس مذهبی را ملغی و جمع کند و تضمین کند کلیه کودکان با هم قاطی شوند و بر اساس مذهب جداسازی نشود.

### پولی توین بی

پسرهای من به مدرسه ای م بیروند که پنجاه پنجاه بین بچه های خانواده های مسلمان پاکستانی و سایر ادیان تقسیم شده. دیروز وقتی پسر 9 ساله ام گفت که در مین بازی مدرسه بچه ها هنگام بازی یکدیگر را مسلمان در مقابل مسیحی یا مسلمان در مقابل سیک می خوانند و حسرتزده شدم. این تفرقه و جدایی در جامعه توسط خانواده ها بر اساس دین ایجاد شده. کودکان تشویق نمی شوند که با هم قاطی بشوند.

### تینا کرک

### البرت انشتین

## زنده باد بی‌خدایی

## نامه های شما

مهرداد مهر از ایران

با سلام و عرض ادب و خسته نباشید خدمت شما و همکارانتان خانم کم گویان: همچنان مردمانی هستند که به پرستش بت ها و حیوانات مشغولند و در برابر آنها قربانی کرده و هدایا تقدیم خدایان می کنند. از قبیل کشور هندوستان که بیش از 3000 هزار خدا را در خود جای داده. کشور هندوستان با جمعیت 1/5 میلیارد نفر دومین کشور پرجمعیت جهان است کشوری که مردمانش با فقر و تنگدستی دستگیربباندند و نا گفته نماند این فقر و فلاکت زانده افکار بیمار و عقایدی است که حتی مردمان عصر باستان از پرستش این خدایان شرمسار بودند.

خانم کم گویان من به دو مورد از این خدایان اشاره می کنم: گاو: خداوندی که بیش از 350 میلیون نفر ان را پرستش می کنند بیش از 80 میایمن راس گاو در این کشور وجود دارد و مردمان حتی اجازه ندارند از شیر آن استفاده کنند چه برسد از گوشت آن و حتی ساعت ها ترافیک ایجاد می شود بعلت اینکه گاوی راه را مسدود کرده موش: خدای که بیش از 250 میلیون نفر ان را پرستش می کنند. بیش از 1/6 میلیارد موش در این کشور زیست می کنند و سالیانه برایه هر یک 4/5 کیلو گرم مواد غذایی در نظر گرفته و با احترام تقدیمشان می شود و چند برابر این میزان موش ها به مواد غذایی مردمان لطمه می زنند و هر چند سال یک بار اپیدمی طائون را برایه مردمان این کشور به ارمغان می آورند.

هر راس گاو مساوی است 400 کیلوگرم گوشت قرمز و حال 80 میلیون راس چه مقدار گوشت می شود و همینطور سالیانه بیش از 23 کیلوگرم مواد غذایی توسط 1 موش از بین میرود حال 1/6 میلیارد موش چه مقدار اسیب می رسانند. دبیر کل پیشین سازمان ملل اعلام کرده بود: بیش از 20 میلیون کودک در هندوستان به علت گرسنگی در معرض مرگ می باشند.

روشنه موسوی - بریتانیا

سلام اعظم من یک دختر 15 ساله هستم و از زمانی که دو سال قبل از لندن به شهر دیگری نقل مکان کردم در تجربه زندگی دچار تغییرات زیادی شدم. من کارهای تو را دنبال کرده ام و از قدرت و اراده شما واقعا مبهوت شده ام و شما را تحسین می کنم. می فهمم که آدم مهمی هستید و کارهای جدی ای دستتان است. احساس می کنم شما هم زمانی در موقعیت من بودید اما وضعیت شما بسیار حاد بوده است که من نمیتوانم آن را بخوبی دریابم. اما به هرصورت من شدیداً به راهنمایی و کمک شما احتیاج دارم.

من مسلمان بدنیا آمدم و هرگز تا سن 13 سالگی در این دین تردیدی نکردم. من مورد آزار شفاهی و سپس فیزیکی که این دین تجویز می کند قرار گرفتم. این را برای جلب ترحم نمی نویسم برای جلب کمک می نویسم. می فهمم که سرت خیلی شلوغ است اما نمی دانم به کی رو بکنم.

من به خانواده به خواهر و به دوستانم رو کردم اما دریافتم که آنها اگر خود بسرشان نیامده باشند و مورد تعالیم این دین قرار نگرفته باشند نمی توانند بفهمند من چه می گویم. هر زمان من اشتباهی کردم پدر و مادرم با اتکا به این دین آزارم دادند. نمی توانستم خانه را ترک کنم. گویی در زندان زندگی می کردم. می دانم اگر بزرگتر شوم باید با مردی که خانواده ام برایم انتخاب می کنند ازدواج کنم. معتقدم اگر عقیده و شور و حرارتی به اسلام در من باقی نمانده نباید مسلمانی را ادامه دهم. می خواهم به دانشگاه بروم اما والدینم این علاقه و انتخاب را از من سلب

کرده اند. زمانی بود که من هیچکاری که آنها را ناراحت کند نمی کردم اما الان می فهمم علت اصلی ای که آنها مرا سرکوب می کنند برای آبرو و زندگی خودشان است. برای آنها من فرزندی هستم که بزرگ می شوم شوهر می کنم و بچه دار می شوم و مایه افتخار آنها هستم. من به فرار کردن در سن 16 سالگی فکر کردم اما خیلی ترسناک و دردآور است. من دلایل خودم را دارم. اعظم تو منبع بزرگی از الهام برای من هستی. امیدوارم تو به کارهای فوق العاده مهم و با ارزشت ادامه دهی و اجازه ندهی آزار و مزاحمت دیگران مانع فعالیتت باشد. بشود. خواهش می کنم به این نامه ام جواب بده. او آخرین امید من هستی. من از کارهایی که در حالت عجلولانه و احمقانه انجام دادم پشیمان هستم. من به مدت دو سال خودآزاری کردم و دست به خودکشی زدم. اما آشنایی با تو و کارهایت بمعنی واقعی کلمه مرا نجات داد. تو مایه امید من به زندگی شدی.

برای من حیرت آور است که تو در ایران متولد شدی. درست است؟ با اینحال دیدگاههای همه جانبه و عمیق است. اینکه تو چگونه اسلام را در سنی که من هستم ترک کردی برای من حیرت آور است. لطفاً بگو چگونه این کار را کردی؟ چکار می کردی؟

از تو تشکر می کنم و امیدوارم زودتر جواب نامه اک را بدهی. کارهای تو باعث شده که من فکر کنم در این دنیا تنها نیستم. من هیچکس را ندارم و به ولداری و اطمینان خاطر دادن از طرف تو بیش از هر چیز احتیاج دارم. افسردگی بیماری است و من میخواهم علاج پیدا کنم و به خوش در زندگی برسم. لطفاً با من تماس بگیر و من مایلم همه چیز زندگیم را برایت بگویم و از تو راهنمایی و کمک بخواهم. هیچ کودکی نباید در وضعیتی که من قرار دارم قرار بگیرد. خواهش می کنم به من کمک کن.

راندا ل تری - آمریکا

سلام اعظم من همین الان خواندن سخنرانی شما "هالوکاست خاموش چرا انسانیت باید بر اسلام پیروز شود" را ببیایان رساندم. بسیار موثر و قوی بود. من در بیشتر از یک سال گذشته مشغول تحقیق در مورد پایمال کردن حقوق بشر در کشورهای اسلامی بوده ام و در حال حاضر روی یک طرح وسیع و دامنه دار در این مورد کار می کنم. من مایلم با شما در مکاتبه و مراوده باشم. نویسنده ای هستم که تاکنون 6 جلد از آثارم بچاپ رسیده است و دو کتاب دیگر هم در دست انتشار است. این را میگویم که بدانید وقت شما در همکاری با من تلف نخواهد شد. منتظر پاسخ شما هستم.

ارادتمند

نازیه کازمالیا - بریتانیا

خانم کم گویان عزیز من یک دانشجوی حقوق در دانشگاه وست مینستر هستم و می خواهم تز تحصیلاتم را در مورد قتلهای ناموسی بنویسم. در ضمن تحقیق به وب سایت شما برخوردم و می خواهم بدانم آیا مایلید اطلاعات در اختیارم بگذارید. از آنجا که نقل ناموسی با اسلام مرتبط است من اولین بخش ترم را در مورد اینکه اسلام در مورد جرائم ناموسی چه می گوید متمرکز می کنم. به کشورهایی که اسلام را در سیستم قانونی شان وارد و ادغام کرده اند مانند پاکستان می پردازم. من همچنین به آنچه که دولت بریتانیا در مورد وقوع فزاینده قتلهای ناموسی در این کشور باید انجام بدهد خواهم پرداخت. همچنین به فلسفه های مختلف اشاره خواهم کرد چون در این تز به فلسفه قانون می پردازم. بسیار عالی میشود اگر به من در این زمینه ها کمک و اطلاعات برسانید. با تشکر.



## ایمان ناجور

سلمان رشدی

### ترجمه: اعظم کم گوین

من هرگز بخودم بعنوان نویسنده ای که درباره مذهب بنویسد فکر نکرده بودم تا وقتیکه مذهب به سراغم آمد. البته دین همیشه بخشی از موضوع کار من بود بعنوان نویسنده ای از شبه قاره هند چطور می توانست نباشد؟ اما بعقیده من من ماهیهایی خوشمزه تر و بزرگتری داشتم که سرخ کنم. معهدا وقتیکه ضربه وارد شد باید با آنچه که به مقابله با من برخاسته بود بمقابله برخیزم و تصمیم بگیرم که باید در رویارویی با آنچه که وحشیانه و سرکوبگرانه و غدارانه علیه من ایستاده بود از چه چیزی پاسداری کنم؟ اکنون 16 سال بعد دین به سراغ همه ما آمده و اگرچه بسیاری از ما احتمالا همانطور که من 16 سال قبل فکر می کردم - فکر می کنیم که موضوعات مهمتری در زندگیمان وجود دارد اما همه ما باید با این مصاف دین روبرو شویم. اگر شکست بخوریم این ماهی معین همه ما را برشته خواهد کرد.

برای آنهایی از ما که در هند و در جریان شورشهای تقسیم کشور در 1947 بزرگ شدند سایه آن سلاخی انسان همداری مهیب به همه ماست در مورد اینکه انسان با نام خدا دست به چه اعمالی خواهد زد. و تکرار چنین خشونت‌هایی متعدد بوده است. در میروت در اسام و بتازگی در گجرات. تاریخ اروپا هم سرشار از مدرک و شاهد

خطرات مذهب سیاسی شده است: همجنسگرا "ضد سقط جنین" شده جنگهای دینی در فرانسه و در درورها و تلخیهای ایرلند و ناسیونالیسم کاتولیک دیکتاتور فاشیست اسپانیا و ارتشهای رقیب در جنگ داخلی انگلستان از این دست هستند.

مردم همواره برای پاسخ به دو سوال بزرگ در زندگیشان به دین روی کرده اند: ما از کجا آمده ایم؟ و ما چگونه زندگی خواهیم کرد؟ اما در مورد مساله منشا ما همه ادیان صاف و ساده غلط می گویند. نه جهان در 6 روز توسط یک نیروی مافوق که در آسمان هفتم بود خلق شد و درباره مساله اجتماعی هم حقیقت بطور ساده این است که هرچه ادیان در زندگی اجتماعی دخالت کنند نکبت و ذلت برای مردم ببار می آورند. انگیزاسیون نتیجه آن است. یا طالبان.

با همه اینها ادیان همچنان اصرار دارند که آنها دستیابی خاصی به اصول اخلاقی را برای مردم فراهم می کنند و در نتیجه باید از حمایت و امتیازات خاصی برخوردار شوند. آنها در زندگی خصوصی ظهور می کنند - جایی که به آن تعلق دارند - مانند بسیاری چیزهای دیگری که مادام بین آدمهای بالغ مورد توافق قرار گرفته اند قابل قبول هستند اما در میدان شهر و در ملا عام و در گرفتن قدرت به دست خود- غیر قابل قبول هستند. ظهور اسلام رادیکال احتیاج به بازتوصیف ندارد اما اوج گرفتن دین بطور اعم موضوع بزرگتر و عمیق تری از آنست.

در آمریکای امروز برای تقریبا همگان یعنی زنان و همجنسگرایان و سیاهپوستان و یهودیان امکان کاندید شدن و انتخاب شدن برای ریاست جمهوری هست. اما یک آته ایست که رسما اعلام بی خدایی کرده حتی کمترین شانس را در جهان هم نخواهد داشت. سیاست و گفتن سیاسی بشدت با دین آمیخته است. باب وودوارد خود را بعنوان "پیان آوری" که "خواست خدا" را مادیت می بخشد و "ارزشهای اخلاقی" تبدیل به اسم رمز "ضی

خطرهای دینی در فرانسه و در درورها و تلخیهای ایرلند و ناسیونالیسم کاتولیک دیکتاتور فاشیست اسپانیا و ارتشهای رقیب در جنگ داخلی انگلستان از این دست هستند.

مردم همواره برای پاسخ به دو سوال بزرگ در زندگیشان به دین روی کرده اند: ما از کجا آمده ایم؟ و ما چگونه زندگی خواهیم کرد؟ اما در مورد مساله منشا ما همه ادیان صاف و ساده غلط می گویند. نه جهان در 6 روز توسط یک نیروی مافوق که در آسمان هفتم بود خلق شد و درباره مساله اجتماعی هم حقیقت بطور ساده این است که هرچه ادیان در زندگی اجتماعی دخالت کنند نکبت و ذلت برای مردم ببار می آورند. انگیزاسیون نتیجه آن است. یا طالبان.

با همه اینها ادیان همچنان اصرار دارند که آنها دستیابی خاصی به اصول اخلاقی را برای مردم فراهم می کنند و در نتیجه باید از حمایت و امتیازات خاصی برخوردار شوند. آنها در زندگی خصوصی ظهور می کنند - جایی که به آن تعلق دارند - مانند بسیاری چیزهای دیگری که مادام بین آدمهای بالغ مورد توافق قرار گرفته اند قابل قبول هستند اما در میدان شهر و در ملا عام و در گرفتن قدرت به دست خود- غیر قابل قبول هستند. ظهور اسلام رادیکال احتیاج به بازتوصیف ندارد اما اوج گرفتن دین بطور اعم موضوع بزرگتر و عمیق تری از آنست.

در آمریکای امروز برای تقریبا همگان یعنی زنان و همجنسگرایان و سیاهپوستان و یهودیان امکان کاندید شدن و انتخاب شدن برای ریاست جمهوری هست. اما یک آته ایست که رسما اعلام بی خدایی کرده حتی کمترین شانس را در جهان هم نخواهد داشت. سیاست و گفتن سیاسی بشدت با دین آمیخته است. باب وودوارد خود را بعنوان "پیان آوری" که "خواست خدا" را مادیت می بخشد و "ارزشهای اخلاقی" تبدیل به اسم رمز "ضی



منتشر شده در گاردین 14 مارس

2005

استثنایی به سکولاریسم اروپایی را در بریتانیا می توان یافت یا حداقل در دولت مومن مسیحی و بطور فزاینده اقتدارگرای تونی بلر که دارد پارلمان را به سوی تصویب قانون علیه "تحریک به نفرت مذهبی" سوق می دهد.

روزنامه نگاران و کلا و لیست وسیعی از شخصیت های اجتماعی هشدار داده اند که این قانون بطور دراماتیکی مانع آزادی بیان می

همکارانش که به نقاط دیگر دنیا سر می کشند و مبلغ می فرستند و علیه اینکه نگرش مل گیسون خط مشی سیاسی و اجتماعی آمریکا را شکل بدهد بایستند - در آمریکای پنجاه - پنجاه در موقعیت بهتری قرار می گیرند. اگر اینها اتفاق نیافتد و اگر آمریکا و بریتانیا بگذارند ایمان مذهبی گفتمان اجتماعی را کنترل کند و برآن غلبه کند انوقت ائتلاف و هم پیمانی غرب زیر فشار مداوما فزاینده مذهبیون قرار خواهد گرفت. و کسانی که از ما انتظار می رود علیه شان بجنگیم بیشترین دلیل را برای جشن گرفتن پیرویشان بر ما خواهند داشت.

ویکتور هوگو نوشت: "در هر دهی مشعلی وجود دارد: معلم مدرسه و یک خاموش کننده مشعل هم وجود دارد: کشیش بخش." ما به معلمین بیشتر و کشیش های کمتر در زندگی مان نیاز داریم چون همانطور که جیمز جویس زمانی گفت: "هیچ تردیدی در مورد دین و یا هیچ فلسفه ای به اندازه خود انسان برای کلیسا منجر کننده نیست." اما شاید وکیل معروف آمریکایی کلارنس دارو نقطه نظر سکولاریستی را بهتر از همه عرضه کرده: "من به خدا عقیده ندارم چون به ننه غازه عقیده ندارم."

## مسلمانان: قربانیان اسلام یوهانس جنسون

### ترجمه: اعظم کم گویان

در اولین دوره های تاریخ اسلام در سالهای قبل از 660 میلادی یک جنبش مذهبی اسلامی غریب ظهور کرد که ادعای نمایندگی انحصاری "اسلام واقعی" را می کرد و سایر مسلمانان را در صورتیکه به آن نمی پیوستند مرتد می خواند. مسیحیان و یهودیان نسبتا از تعرض این جنبش سکت مانند درمان بودند. اما کسانی که مسلمان دنیا می آمدند اگر به این فرقه نمی پیوستند و به ادعاهای آنها گردن نمی گذاشتند بیرحمانه توسط آنها به قتل می رسیدند.

خلفایی که در دمشق و سپس در بغداد اسلام حاکم و رسمی را نمایندگی می کردند مستاصلانه با این جنبشها می جنگیدند. سرانجام لشگرهایی که خلیفه در آخرین دهه های قرن نهم میلادی به جنگ آنها فرستاد آنها را تار و مار کرد. البته دریافتن اینکه گزارشات تاریخی ای که درباره این جنبش ها نوشته شده اند صحت دارند یا نه کار ساده ای نیست و دشمنان آنها بسیاری از این گزارشات را نوشته اند و چه بسا تلاش کرده اند که این گروه را یک سکت فوق العاده خطرناک بنامند و بد معرفی کنند.

این سکت ها بزودی به شعبه های متعددی از جنبشهای مشابه که کم و بیش ایدئولوژی یکسانی داشتند تقسیم شدند. این جنبشها خوارچ خوانده شدند که به عربی یعنی "مردمانی که خارج شدند" شاید به این معنی که آنها فعال

بودند و نمی خواستند دست روی دست بنشینند بلکه بدنیاال انجام کارهای خوب بودند. متفکرین این گروه احتمالا مسئول خلق لغت تکنیکی - اسلامی مهم تکفیر بودند. این واژه عتیق از اهمیت شایانی برای درک ایدئولوژی تعدادی از جنبشهای اسلامی

نوظهور امروزی برخوردار است. تکفیر اسم است و از ریشه فعال عربی کفاره است به معنی اتهام بی اعتقادی به خدا به کسی است. زمانی که مسلمانی به بی اعتقادی متهم می شود این اتهام یعنی ارتداد از اسلام عملی است که از منظر قانون اسلامی شریعه یک گناه کبیره محسوب می شود. کسانی که خود به ارتداد از اسلام اعتراف کنند با مرگ مجازات می شوند.

در طول تاریخ اسلام فعالین جنبشهای اسلامی نوظهور تکفیر را بعنوان حربه ای علیه دشمنان سیاسی خود یا متفکرین مستقل و حتی مصلحین مذهبی بکار می بردند. بسیاری اوقات کسانی که به تکفیر متهم می شدند در واقعیت صرفا مخالفت ملایم و معتدلی با متهم کننده خود نشان داده بودند. معهذا آنان مجازات می شدند.

کارشناسان قانون اسلام که از اتهام زندگان حمایت می کردند معمولا به قرآن در سوره 2 آیه 85 رجوع می کردند که در آن می گوید: "چه آیا به بخشی از این کتاب معتقدی و به بخش دیگر آن

عقیده نداری؟" اینجا "تو عقیده نداری" ترجمه از لغت عربی تکفورنا است که لغتی از ریشه تکفیر است. برای شنونده عرب یک رابطه واضح و انکار ناپذیر بین این محکوم کردن عدم اعتقاد به بخشی از قرآن با لغت تکنیکی تکفیر وجود دارد. سوره مربوطه می تواند اینطور هم ترجمه بشود: "چطور؟ آیا به بخشی از کتاب (قرآن) عقیده داری و در عین حال جسارت می کنی و به بخشهای

دیگر آن بی اعتقادی؟" در این چشم انداز است که ما نقطه نظرات ابن تیمیه یک عالم الهی اسلام که حدود قرن 13 میلادی زندگی می کرد را درک می کنیم. طبق نظرات او "هر گروه از مردم که حتی علیه یک جزئی کوچک از متون اسلامی باشند

حتی اگر اعضای آن گروه دین و ایمان اسلامی هم داشته باشند و رسما و علنا ایمان خود به اسلام را اعلام کنند اما نمازهای پنجگانه راجعا نیاورند مبارزه با آنها واجب است. اگر آنان از پرداخت ذکات سرباز زند مبارزه علیه آنها تا زمانی که ذکات بپردازند واجب است. این در مورد حج و روزه گرفتن در ماه رمضان و قمار و نوشیدن شراب و یا رابطه جنسی خارج از ازدواج هم که همگی در قانون اسلامی شریعت منع شده اند صادق است. این مساله در مورد امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با بی دینان یا بدعتگزاری در اسلام و قرآن هم صادق است و کسانی که بگویند به اسلام پایبندند اما به امور فوق عمل نکنند باید تا زمان عمل به این امور با آنان جنگید و اگر نپذیرفتند باید آنان را با جهاد به قتل رساند.

به این ترتیب هر عدم توافق کوچک یا جزئی با قانون اسلامی بعنوان ارتداد تلقی شده و جنگ و مجازات مرگ برای آنان قائل کرده اند. در اواسط قرن 18 در روزهای باخ و موزارت تعداد کوچکی از مسلمانان حتی از ابن تیمیه هم فراتر رفتند. جنبش وهابی که در شمال شبه جزیره عربستان آغاز شد معتقد بود که حتی اعضای منفرد جامعه که از تعابیر وهابیتی اسلام تبعیت نکنند مرتد هستند و باید اموال آنها مصادره شود با آنها نبرد بشود زندانی شوند برده شوند و سرانجام بقتل برسند. این دیدگاه تکفیر الموقتمع خوانده

←

## چرا مسلمان نیستم

بود این کار را بکنم و امیدوار بودم که نهایتاً یک ازدواج خوب مسلمانانه داشته باشم. الان می دانم آنچه که من در اسلام جستجو می کردم احترام به زنان و جایگاه و موفقیت‌های آنان وجود نداشت. در مناسبت‌های مختلف در هر دو رابطه‌ای که با دو مرد مسلمان داشتم بنا به تعریف مورد تجاوز جنسی قرار گرفتم اما سعی می کردم خود را قانع کنم اینطور نیست چون فکر می کردم آنها مرا دوست دارند و همانطور که قول داده بودند با من ازدواج می کردند. وقتی الان به گذشته بر می گردم و فکر می کنم نمی توانم خامی و ساده لوحی خود را باور کنم.

من واقفم که نباید دین را از روی پیروان آن قضاوت کرد اما با درک معینی از عمل و رفتار

بود این کار را بکنم و امیدوار بودم که نهایتاً یک ازدواج خوب مسلمانانه داشته باشم. الان می دانم آنچه که من در اسلام جستجو می کردم احترام به زنان و جایگاه و موفقیت‌های آنان وجود نداشت. در مناسبت‌های مختلف در هر دو رابطه‌ای که با دو مرد مسلمان داشتم بنا به تعریف مورد تجاوز جنسی قرار گرفتم اما سعی می کردم خود را قانع کنم اینطور نیست چون فکر می کردم آنها مرا دوست دارند و همانطور که قول داده بودند با من ازدواج می کردند. وقتی الان به گذشته بر می گردم و فکر می کنم نمی توانم خامی و ساده لوحی خود را باور کنم.

من واقفم که نباید دین را از روی پیروان آن قضاوت کرد اما با درک معینی از عمل و رفتار

## تجربه یک زن غیر مسلمان از اسلام

دین اینکه کسانی هستند که ماهیت واقعی زندگی‌ای را که اسلام تجویز می کند تشخیص می دهند برای من فوق العاده مایه دلگرمی است. من بیست سال دارم و یک دانشجوی دختر در لندن هستم. از سنین 16-19 سالگی بدلیل رابطه عادی با مسلمانان از جمله بعضی محققین مسائل اسلامی و مطالعه ادبیات مذهبی مسلمانان خیلی به اسلام علاقمند شدم.

از سن 18 سالگی به مدت یک سال من با مردان مسلمان دو رابطه داشتم و امیدوار بودم به اسلام بپیوندم و در واقع نزدیک

پیشکسوت او محمد حلا فلاح طی سالهای دهه های 1940 و 1950 دچار مشکلات فراوانی بود. اما نصر ابوزید دچار مشکلات بمراتب بیشتری شد. ابوزید طرح کرد که قرآن باید فقط بعنوان یک کتاب در نظر گرفته شود. این بحث خشم اسلامیون را برانگیخت. اما نصر ابوزید نه تنها با آنان سازشی نکرد بلکه نوشت: " کاربرد قانون اسلامی شریعت و اصرار بر اینکه این اولویتی برای جامعه ما و تفکر اسلامی معاصر است اهانت به واقعیات است. تقلیل دادن اهداف دین به سنگسار و بریدن دست و پای سارقین انصاف و عدالت نسبت به وحی های اسلام نیست." دشمنان ابوزید او را به دادگاه کشاندند و درخواست کردند ازدواج او بخاط اظهاراتش که - او

فرجام در 1995 علیه او حکم صادر کرد و دولت مصر سریعاً وی را از کشور خارج کرد ابتدا به اسپانیا و بعد به هلند فرستاد جایی که او همچنان در تبعید بسر می برد. ابوزید هم یک قربانی اسلام و جهاد است که بی تابانه می خواهد به مصر زادگاه و محل زندگی بازگردد. سرنوشت ابوزید مایه عبرتی برای دانشجویانش شد که عقاید خود را ابراز نکنند. معهداً سرنوشت ابوزید در مقایسه با دکتر فراغ فودا خوش شانسی او را نشان می دهد. یک تروریست اسلامی در 8 ماه زوئن 1992 فراغ فودا را در خیابانهای قاهره ترور کرد. جرم او دست انداختن جریانات اسلامی و به استهزا گرفتن تعلیم قرآن و مجازاتهای قرآن در مورد مرتکبین سکس

بیهوشی جنسون پروفور مطالعات اسلامی و خاورمیانه در دانشگاه اوترخت هلند است.

یوهانس جنسون پروفور مطالعات اسلامی و خاورمیانه در دانشگاه اوترخت هلند است.

**بی خدایان  
را تکثیر  
و پخش  
کنید!**

نصر حامد ابوزید پروفیسور مطالعات قرآنی در دانشکده هنرهای دانشگاه مصر بود. به نفع ابوزید حکم داد اما دادگاه

## لطفاً به خودتان دروغ نگویید!

**نقدی بر  
برهان علیت**

### رضاسروش از ایران

کسی که به خودش دروغ میگوید حقه باز تر و بی‌ابرو تر از کسی است که به دیگران دروغ میگوید. تمام کسانی که به خدا اعتقاد دارند بجز آنهایی که در این مورد فکر نکرده اند قطعاً در جایی به خودش دروغ گفته اند. زیر عقل و خرد و دانش انسان چنین اعتقادی را بر نمی‌تابد. یکی از حقه‌بازیهایی که آخوند ها و تو جیه‌کنندگان خرافات به اسم "اثبات وجود خدا" در کتابهای درسی بچه‌ها می‌چپانند، سفسطه‌ای نا بخردانه است که آنرا "برهان علیت" مینامند. مناسفانه اکثریت بچه‌ها یا مطالعه آزاد ندارند یا کتابها و رسانه‌هایی که غیر از تبلیغ دین چیز دیگری در آن یافت شود در دسترسشان نیست. همچنین بچه‌ها هنگامی که این قبیل معجونهای مسموم کننده به خوردشان داده میشود، هنوز به آن درجه از رشد آگاهی نرسیده اند که بتوانند ایرادهای آنها را دریابند. از این رو ست که سفسطه‌های دینی بی‌مخالف و بی‌معارض یکه تاز عرصه سخن میشوند و ذهن کودکان و نوجوانان بی‌گناه و پاک را به آلودگی میکشند. که این یکی از بزرگترین جنایات حکومت دینی در ایران است. آخوندها برهان علیت را اثبات دقیق و کاملاً درستی برای وجود خدا میدانند. در حالی که این استدلال یک اشکال بنیادی دارد به طوری که هر انسانی با کمی فکر کردن به نادرستی آن پی میبرد:

"هر چیزی را چیز دیگری به وجود می‌آورد. پس جهان را چیزی به وجود آورده است. آن

چیز نیز خود محتاج به وجود آورنده است. این سلسله باید به جایی ختم شود وگرنه هیچ چیز به وجود نمی‌آید. پس یک خالق نهایی وجود دارد که خود محتاج خالق نیست و او همان خداست." این جمله را که "هر چیزی را چیز دیگری به وجود می‌آورد خداپوران" اصل علیت" مینامند. و آنرا بی‌نیاز از اثبات و یک

حکم بدیهی معرفی میکنند که همه انسانها آنرا پذیرفته اند! این یک ایده بسیار ابتدایی و غلط است. شیوه درست و علمی بیان این جمله این است که بگوییم: هر چیزی از چیز دیگر پدید آمده است. و این جمله به این معناست که هیچ چیز نمیتواند از ناچیز به وجود آید (خلق شود). پس بیان درست اصل علیت خود منکر وجود خالق است. ما هرگز مشاهده نمی‌کنیم که چیزی چیز دیگر را به وجود بیاورد بلکه آنچه ما در دنیای واقعی همواره مبینیم این است که هر چیز جدیدی از تغییر و تحول و ترکیب چیزهای قدیمی به وجود می‌آید. و هیچ چیز نمی‌تواند از هیچ خلق شود. مثلاً آب از ترکیب دو گاز متفاوت پدید می‌آید نه اینکه چیزی آنرا از هیچ به وجود می‌آورد. آیا میتوانیم بگوییم اکسیژن و هیدروژن خالق آب هستند؟ مسلمانان. اکسیژن و هیدروژن که به طرز خاصی در کنار هم قرار گرفته اند خود آب هستند نه خالق آب. و به وجود آمدن آب از عناصر تشکیل دهنده آن محتاج هیچ خالقی نیست.

خداپوران با نیرنگ از کلمه "علت" سوءاستفاده میکنند و میگویند: مگر میشود چیزی علت نداشته باشد هر چیزی علتی دارد. و بعد کلمه خالق را مترادف کلمه "علت" فرض میکنند تا بتوانند وجود خالق متعال را اثبات کنند! اصل علیتی که آنها بیان میکنند، در واقع چنین است: "هر چیزی خالقی دارد." و این خود حکمی است که قرار است اثبات شود. زیرا اگر برسیم خالق آب کدام است؟ ناچارند بگویند "خدا". پس با این حساب اصل علیت آنها میگوید: خالق همه چیز

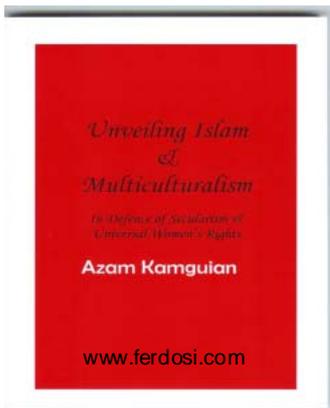
خداست. سپس با تکیه بر این اصل وجود خدا را ثابت میکنند یعنی با استفاده از این اصل که "خدا وجود دارد"، ثابت میکنند که "خدا وجود دارد". او این همان نیرنگی است که در برهان علیت بکار می‌برند. پی بردن به بطلان این قبیل مزخرفات دینی فقط محتاج کمی تفکر خردمندانه و بی‌تعصب است.

بله این درست است که هر چیزی علت دارد ولی به شرطی که منظورمان از علت، عوامل و شرایط پدید آمدن آن چیز باشد نه اینکه منظورمان این باشد که هر چیزی را کسی آفریده است. اینکه به وجود آمدن هر چیزی از چیز دیگر محتاج شرایط و لوازم خاصی است، درست است اما مستلزم وجود خالق نیست زیرا تضمین نمیکند که چیزی از هیچ به وجود آید. منظور "اثبات کنندگان وجود خدا" از کلمه علت، عوامل و شرایط نیست بلکه آنها فکر میکنند هر چیزی را چیز دیگری "می‌آفریند". که این تصور کاملاً غلط است. ما هرگز در طبیعت آفریده شدن چیزی را ندیده ایم بلکه تنها شاهد تغییر و تحول ماده بوده ایم. پس مسلمانها روی چه حسابی میگویند هر چیزی آفریننده دارد؟

برای اینکه وجود خدا را ثابت کنیم ابتدا باید امکان خلق را اثبات کنیم. یعنی ثابت کنیم ماده میتواند نابود و خلق شود. تا جایی که ما میدانیم طبق اصل بقای ماده، ماده نه خلق شدنی و نه نابود شدنی است. بلکه از شکلی به شکل دیگر در می‌آید. هیچ آزمایش و تجربه‌ای هم تا به حال خلق یا نابود شدن ماده را تایید نکرده بلکه همواره عدم امکان آنرا ثابت کرده است. پس اثبات وجود خدا به همین راحتی نیست که آخوند ها تصور میکنند.

تازه به فرض که امکان خلق هم وجود داشته باشد چگونه ثابت میکنند که زمانی هیچ چیز نبوده سپس به وجود آمده است؟ از کجا معلوم است که زمانی نبوده بعد به وجود آمده؟ شاید همیشه بوده با این حساب اصل علیت آنها میگوید: خالق همه چیز

با تشکر از شما که برای آزادی اندیشه انسان از اسارت مذهب مبارزه میکنید.



**برداشتن حجاب از  
اسلام و  
مالی کالچرالیسم**